

رسالة محمد



دانشگاه پیام نور

واحد بهسر

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

گروه الهیات

عنوان

بررسی فقهی و حقوقی اکراه در قتل

استاد راهنما

جناب آقای دکتر محمدحسین شعبانی

استاد مشاور

جناب آقای حسین خورشیدی

الهه رحیمی

آذرماه ۱۳۹۲

تقدیم با بوسه بر دستان پدرم

به او که نمی دانم از بزرگی اش بگویم یا مردانگی سخاوت، سکوت، مهربانی و....

پدرم راه تمام زندگیست

پدرم دلخوشی همیشگیست

و به مادرم

آنکه آفتاب مهرش در آستانه قلبم، همچنان پابرجاست و هرگز غروب نخواهد کرد..

تقدیر و تشکر

شکر شایان نثار ایزد منان که توفیق را رفیق راهم ساخت تا این پایان نامه را به پایان برسانم .

از استاد فاضل و اندیشمندم جناب آقای دکتر محمد حسین شعبانی به عنوان استاد راهنما که همواره

اینجانب را مورد لطف و محبت خود قرار داده اند، کمال تشکر را دارم. و همچنین از استاد ارزشمندم

جناب آقای حسین خورشیدی به دلیل یاری ها و راهنمایی های بی چشمداشت ایشان که بسیاری از

سختی ها را برایم آسانتر نمودند، نهایت تشکر و سپاس را دارم. ضمناً تمامی کاستی های این اثر بر

عهده خود نویسنده می باشد و هیچ کدام از گرانمایگان فوق در آن دخیل نیستند .

چکیده

از آنجایی که انسان اشرف مخلوقات است و حفظ حیات او محترم به همین دلیل خداوند متعال برای پیشگیری از قتل و کشتار و خونریزی حکم قصاص را مقرر فرمودند. حال در این پایان نامه سعی شده که حکم اکراه در قتل بررسی شود. در بخش اول بحث کلیات پژوهش مطرح شده است. در بخش دوم مباحث اولیه و مبانی موضوع مانند مفهوم شناسی، انواع اکراه، شروط لازم برای تحقق اکراه، منابع قاعده اکراه بررسی شده است. در بخش سوم که بحث اصلی ماست اکراه در قتل به لحاظ فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفت و اینکه حکم فرد مکره چیست؟ آیا قصاص می شود یا نه؟ روشن شد که این یک مورد اختلافی است و بین فقها و حقوقدانان بر سر این مسئله مناقشه ای وجود دارد. بنابراین طبق نظر مشهور فقها و حقوقدانان حکم مکره قصاص است و اکراه در قتل مجوزی برای انجام قتل از سوی او نمی باشد. ولی نظرات مخالف مشهور وجود دارد که اکراه را مجوز قتل می دانند مانند آیه ..خویی و آیه .. صانعی که هر کدام استدلالات خاص خود را دارند که مفصلاً بحث شده است. باتوجه به اینکه روش تحقیق بر مبنای توصیفی تحلیلی می باشد، برای این کار از روش فیش برداری و کتابخانه ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی

اکراه ، قتل ، قصاص ، مکره ، مکره

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۱	مقدمه.....
۳	۱-۱ بیان مسئله.....
۳	۱-۲ پیشینه تحقیق.....
۴	۱-۳ روش پژوهش.....
۴	۱-۴ سوالات اصلی پژوهش.....
۵	۱-۵ سوالات فرعی پژوهش.....
۵	۱-۶ فرضیه های پژوهش.....
۵	۱-۷ اهداف پژوهش.....
	فصل دوم: مبانی اکراه در قتل
۷	۲-۱ تبیین مفاهیم.....
۷	۲-۱-۱ اکراه.....
۱۳	۲-۱-۲ قتل.....
۱۴	۲-۱-۳ قصاص.....
۱۸	۲-۲ بررسی انواع اکراه.....
۱۹	۲-۲-۱ اکراه ملجی (تام) و اکراه غیر ملجی (ناقص).....
۱۹	۲-۲-۲ اکراه مادی و اکراه معنوی.....

- ۲۱ ۳-۲-۲ اکراه به حق و اکراه به ناحق
- ۲۲ ۳-۲-۲ شروط لازم برای تحقق اکراه
- ۲۶ ۴-۲ قلمرو اکراه
- ۲۶ ۱-۴-۲ اجبار و انواع آن
- ۲۹ ۲-۴-۲ تفاوت اجبار با اکراه
- ۳۴ ۳-۴-۲ شرایط اجبار رافع مسئولیت جزایی
- ۳۶ ۴-۴-۲ تفاوت اجبار با اضطرار
- ۳۶ ۵-۴-۲ اضطرار و اشکال آن
- ۳۸ ۶-۴-۲ تفاوت اضطرار با اکراه
- ۴۰ ۷-۴-۲ شرایط تحقق اضطرار
- ۴۲ ۸-۴-۲ منابع و ادله قاعده اضطرار
- ۴۵ ۵-۲ منابع و ادله قاعده اکراه
- ۴۵ ۱-۵-۲ منابع اکراه در فقه
- ۴۷ ۲-۵-۲ منابع اکراه در حقوق ایران
- ۴۹ ۶-۲ آثار اکراه در حدود دیگر
- ۴۹ ۱-۶-۲ زنا
- ۵۰ ۲-۶-۲ شرب مسکر
- ۵۱ ۳-۶-۲ سرقت
- ۵۲ ۴-۶-۲ ارتداد

۵۵ ۵-۶-۲ تعزیرات

فصل سوم: بررسی فقهی و حقوقی اکراه در قتل و صور دیگر آن

۶۰ ۱-۳ ماهیت فقهی

۶۱ ۱-۱-۳ دیدگاه امامیه

۶۱ ۱-۱-۳-۱ نظریه اول (مشهور فقها)

۶۶ ۱-۱-۳-۲ نظریه دوم (خلاف مشهور)

۶۹ ۱-۱-۳-۳ نظریه سوم (خلاف مشهور)

۷۳ ۲-۱-۳ دیدگاه عامه

۷۳ ۱-۲-۱-۳ نظر شافعیه

۷۵ ۲-۲-۱-۳ نظر مالکیه و حنبلیه

۷۵ ۳-۲-۱-۳ نظر حنفیه

۷۷ ۲-۳ ماهیت حقوقی

۸۰ ۱-۲-۳ سبب و مباشر

۸۱ ۲-۲-۳ بحث اجتماع سبب و مباشر

۹۱ ۳-۲-۳ انواع اکراه به قتل از نظر شدت و ضعف تهدید

۹۳ ۴-۲-۳ انواع اکراه به اعتبار شخصیت اکراه شونده و اکراه کننده

۹۵ ۵-۲-۳ انواع اکراه به قتل در رابطه با مجنی علیه

۹۷ ۳-۳ بررسی صور دیگر اکراه در قتل

۹۷ ۱-۳-۳ اکراه به خود کشی

۱۰۴..... ۲-۳-۳ اکراه به قتل خویشتن

۱۰۶..... ۳-۳-۳ اکراه برده توسط مولا

۱۰۹..... ۴-۳ اکراه و تهدید به صدمه مادون نفس (قطع عضو)

فصل چهارم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۱۱۳..... ۱-۴ نتیجه گیری

۱۱۹..... ۲-۴ پیشنهادات

۱۲۱..... منابع و مآخذ

فصل اول

کلیات

مقدمه

یکی از مباحث طرح شده در مکتب اسلام که از مفاهیم فقهی و حقوقی به شمار می رود مسئله (اکراه) می باشد. این قاعده در همه ابواب فقه نیز کاربرد دارد از جمله در بحث طلاق، بیع، ضمان، غصب، قصاص، حدود، دیات و... قرآن کریم نیز از اکراه با واژه ها و تعبیرات گوناگونی یاد کرده است و این اصطلاح بیش از ۴۰ بار در قرآن کریم به کار رفته که در برخی آیات به معنای لغوی آن و در برخی دیگر به معنای اصطلاحی آن آمده است. اگرچه اکراه در لغت و در اصطلاح به یک معنا است یعنی همچنان که در لغت به معنی وادار کردن قهری کسی به امری است در اصطلاح نیز یعنی وادار کردن کسی به انجام کاری که به آن مایل نیست، می باشد.

به طوری که اکراه در قوانین جزایی عبارت است از وادار کردن دیگری به انجام یا ترک فعلی که از آن کراهت دارد و شخص وادار شده مرتکب عملی می شود که در انجام یا ترک آن اراده و اختیار از او سلب شده است، سپس مرتکب، مسئولیتی در قبال آن ندارد و اکراه در موضوعات مختلف فقهی از جمله معاملات، حدود،... رافع و زایل کننده مسئولیت کیفری است اما یکی از موضوعاتی که بحث برانگیز است، بحث اکراه در قتل می باشد یعنی در صورتی که شخصی، فرد دیگری را وادار کند تا شخص ثالثی را به قتل برساند و او نیز آن کار را انجام دهد، حال سوال این است که آیا در اینجا هم مانند دیگر موضوعات، اکراه رافع مسولیت هست یا خیر؟

اکراه در قتل زمانی است که فعل مورد درخواست اکراه کننده جنایت بر نفس و قتل دیگری باشد که طبق نظر مشهور فقها اکراه در قتل را یعنی زمانی که موضوع تهدید، قتل ثالث باشد و شخص ملزم به قتل آن شود، مجوز قتل و موجب سقوط قصاص نمی دانند تا جایی که در این مسئله ادعای اجماع دارند البته نظری مخالف مشهور در اینجا وجود دارد و آن نظر آیه ا.. خوبی است که ایشان جواز قتل را در این مورد بعید ندانسته اند یعنی معتقدند که قاتل نباید قصاص شود هر چند پرداخت دیه مقتول به عهده اوست و قتلی که در اثر اکراه و تهدید به قتل اتفاق افتاده، حرام نیست بلکه داخل در باب تراحم است به این صورت که امر دایر است بین ارتکاب فعل حرام که همان کشتن نفس محترم و انسان بی گناه است و بین ترک واجب که همان حفظ جان است. زیرا فرد نباید خودش را در

معرض هلاکت قرار دهد جایی که ترجیحی در بین نباشد راهی جز التزام به تخییر وجود ندارد بنابراین فرد اختیار دارد که هر کدام از دو طرف را انتخاب کند، پس این قتل جایز و رواست و عدوانی هم نیست . و قاتل که قصاصی بر او نیست اما باید دیه مقتول را بپردازد زیرا خون مسلمان نباید هدر رود. و به تبع فقها، حقوقدانان نیز اکراه در قتل را رافع مسئولیت کیفری نمی دانند . زیرا اکراه هر چند که بر اختیار شخص اثرگذار بوده و در واقع بر آزادی شخص در قصد کردن موثر است و آن را متزلزل و یا زایل می کند ولی بر رکن معنوی جرم ارتكابی از سوی اکراه شونده بی تاثیر است.

در اینجا بحثی نیست و همه اتفاق نظر دارند و روشن است که فلسفه این کار، حفظ جان و حیات انسانی است که از سوی خداوند از حرمتی ویژه برخوردار است و به همین دلیل لطف الهی شامل حال بندگان شده و اقدام ناشی از اکراه را مسئولیت زانداسته اند. که این بحث در حالتی که اگر شخصی در برابر حفظ چند نفس مجبور به قتل یک نفس شود ، نیز مطرح است و همین وضعیت پیش می آید . در ادامه نیز ، نظرات و دیدگاه فقهای مختلف امامیه و عامه را مطرح نموده و همچنین به بررسی صور مختلف اکراه در قتل و مسایل و فروع دیگر آن می پردازیم . این نوشتار در صدد آن است که به تحقیق و بررسی فقهی و حقوقی بحث اکراه در قتل پرداخته و نظرات و دیدگاه های مختلف را پیرامون آن مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۱-۱ بیان مسئله

اکراه به عنوان یکی از مقولات و مفاهیم حقوقی به استناد ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ رافع مسئولیت کیفری می باشد و در تمام عناوین مدنی، جزایی و عقود و ایقاعات فقها بر این مطلب ادعای اجماع دارند یعنی همین که فرد مکره شد مسئولیت از عهده او برداشته می شود ولی اکراه در قتل مستثنی از این حکم شده است. اگر فردی شخصی را مکره کند که زید را بکشد و او هم بکشد مباشر قصاص می شود و مکره که سبب برای قتل زید شد، حبس ابد می گردد که نظر مشهور فقها همین است اما در این میان نظرات مخالفی نیز وجود دارد که باعث شده شبههاتی بوجود بیاید که چرا قتل استثنا شده است و این که مکره در هر حال مکره است و در این جا هم باید اکراه رافع مسئولیت باشد و مکره نباید قصاص شود؟ ما در این نوشتار بر آنیم که ضمن تبیین حقیقت اکراه به ماهیت آن پرداخته و بعد از ذکر اقسام و انواع آن به بررسی نظرات مختلف فقها بپردازیم.

۱-۲ پیشینه تحقیق

در حوزه حقوق اسلامی، بحث اکراه از دیر باز مورد توجه همگان واقع شده و در پاره ای از جرایم تأثیری نداشته و موجب سقوط مجازات و معافیت اکراه شونده از تحمل آن نمی شود که مستند آن ادله اربعه از قبیل آیه کریمه (ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق) و همچنین روایات که از امام صادق(ع) و امام باقر(ع) نقل شده مبنی بر اینکه اگر کسی، شخصی را به کشتن شخص سومی فرمان داد و او نیز آن شخص را کشت، حکم چیست؟ امام فرمودند: قاتل کشته می شود و دستور دهنده آنقدر در زندان می ماند تا بمیرد. پس با این وجود، بحث اکراه و سابقه آن به فقه باز می گردد و فقها غالباً در باب قصاص از کتب خود این فرع را مطرح کردند، در قوانین و مقررات جزایی این بحث با تصویب قانون حدود و قصاص در مورخه ۱۳۶۱/۶/۳ به قوانین موضوعه راه یافت و ماده ۴ این قانون در رابطه با اکراه در قتل می باشد.

۳-۱ روش پژوهش

به دلیل اینکه در رابطه با موضوع تحقیق، منبع مدونی وجود ندارد؛ سعی کرده‌ایم از تمامی روش‌های ممکن جهت جمع آوری مطلب در رابطه با موضوع، استفاده شود. روش اصلی تحقیق در این پایان نامه بر مبنای توصیفی و تحلیلی می‌باشد و برای اینکار از روش فیش‌برداری و کتابخانه‌ای استفاده کرده‌ایم چرا که هر محقق قبل از شروع تحقیق و هنگامی که به موضوعی ویژه برای تحقیق علاقمند شده است، ناگزیر از مراجعه به کتابخانه خواهد بود. در جهت عملی نمودن این روش سعی شده است به کتابخانه‌های معتبر و همچنین کتابخانه دانشگاه پیام نور بهشهر مراجعه شود. روش توصیفی بدان علت است که آنچه را که هست توصیف و تفسیر می‌کند و بیشتر به شرایط یا روابط موجود، عقاید متداول، فرآیند جاری، آثار مشهود یا روندهای در حال گسترش توجه دارد و روش تحلیلی جهت قرار دادن اجزای یک متن، کلمه‌ها، جمله‌ها، پاراگراف‌ها و مانند آن، بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌کنیم در تعدادی مقوله که از پیش تعیین شده‌اند. با توجه به گستردگی اطلاعات و ارتباطات در جهان امروز نقش و اهمیت اینترنت به عنوان منبع اطلاع رسانی در کنار روش‌های مذکور استفاده شده است. بعلاوه از راهنمایی‌ها و ارشادات اساتید محترم راهنما و مشاور نیز در طول تحقیق بهره‌برداری لازم به عمل خواهد آمد. سپس با استفاده از روش‌های مذکور به جمع آوری کتب، مقالات، مصاحبه و غیره، و نیز به تحلیل و توصیف موضوع پایان نامه پرداخته شد.

۴-۱ سوالات اصلی پژوهش

در راستای دست‌یابی اهداف تحقیق مذکور، سؤالات متعددی مطرح است که بررسی و پاسخ به آنها بی‌ربط به موضوع و هدف اصلی این مطالعه نمی‌باشد که می‌توان به سوالات ذیل اشاره نمود:

۱- حقیقت اکراه چیست؟

۲- آیا به طور مطلق اکراه رافع مسئولیت است؟

۳- تفاوت حکم اکراه در قتل با اکراه در دیگر موضوعات فقهی در چیست؟

۴- ماهیت فقهی و حقوقی اکراه چیست؟

۱-۵ سوالات فرعی پژوهش

- ۱- آیا حکم مکره بالغ با غیر بالغ در قتل با هم متفاوت است؟
- ۲- آیا میتوان گفت که اکراه فقط در نفس است یا اینکه در اعضا را هم شامل می شود؟

۱-۶ فرضیه های پژوهش

- ۱- حقیقت اکراه ، واداشتن شخص به انجام یا ترک کاری که از آن کراهت دارد ، خارج از اراده و اختیار و قصد آن می باشد.
- ۲- اکراه در تمامی عناوین فقهی رافع مسئولیت است به جز در قتل .
- ۳- به نظر می رسد که مکره اگر بالغ باشد قصاص نمی شود ولی باید عاقله او دیه را بپردازند، ولی اگر غیر بالغ بود مجازاتی را در پی ندارد و فرد مکره قصاص می شود.
- ۴- به نظر می رسد که حکم اکراه در نفس باشد و شامل اعضا نمی شود.

۱-۷ اهداف پژوهش

- الف: در هر تحقیقی نگارنده سعی دارد به سوالهای اصلی تحقیق پاسخ داده و فرضیه های تحقیق را ثابت یا رد نماید.
- ب: تحقیق در زوایای مختلف اکراه جهت شناخت کامل آن.
- ج: تحقیق در حقوق جزای اسلام و اینکه عوامل ایجاد جرم و مسئولیت ناشی از آن تا چه اندازه در ارتکاب معصیت و جرم مرتکب موثر است و او را مسئول تلقی می کند.
- د: بررسی و پرداختن به شبهات و نظرات مخالف مشهور که پیرامون بحث اکراه در قتل وجود دارد.

فصل دوم

مبانی اکراه در قتل

لازم است در این فصل به جهت اینکه مبانی موضوع روشن شود ابتدا در مورد مسائل اولیه مانند مفهوم شناسی بحث شود چرا که نیاز است مفاهیم اصطلاحات کاربردی تحقیق بیان شود و انواع آن بررسی گردد و سپس اینکه شروط لازم برای تحقق اکراه و قلمرو اکراه و تفاوت آن با اجبار و اضطرار مطرح گردد و در پایان منابع و ادله این قاعده از منظر فقه و حقوق بحث و بررسی شود.

۲-۱ تبیین مفاهیم

با توجه به موضوع پایان نامه "بررسی فقهی و حقوقی اکراه در قتل" لازم است قبل از ورود به بحث اصلی تحقیق اصطلاحات خاص کاربردی پژوهش بصورت دقیق و تخصصی بحث گردد چرا که هر کلمه و اصطلاح در رشته های مختلف از یک بعد مورد بررسی قرار می گیرد بعنوان مثال "علم" در لغت به معنی دانستن و دانش است و در اصطلاح فقهی بمعنی اطمینان است که آن را علم عادی هم نامیده اند. علم عادی بمعنی فلسفی کلمه است که عبارت است از حالتی نفسانی که تحمل احتمال مخالف را نمی نماید در امور قضایی و علم حقوق رسم این است که علم عادی حجت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۴۶۸) با توجه به موارد مذکور در این مبحث مفاهیم "اکراه"، "قتل"، "قصاص" مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱-۱ اکراه

اولین کلمه، کلمه ی «اکراه» می باشد که چیست و به چه معناست؟ «اکراه» از ریشه «كُره» است و «كُره»^۱ و اکراه در فرهنگ های مختلف به معنی ناپسند داشتن، دوست نداشتن، دشوار داشتن، کراهت نفرت و وادار کردن شخص به انجام کاری موافق میلش نیست، اجبار و زور به کار رفته است. (معین، ۱۳۷۹: ۲۹۶۰ و ۳۳۰-دهخدا، ۱۳۶۷: ۱۸۳۰۲ و ۲۱۰-حسینی، ۱۳۸۲: ۶۴ و ۴۱۵). دکتر جعفر جعفری لنگرودی می گوید: «اکراه» عملی است تهدید آمیز از طرف کسی نسبت به دیگری به منظور تحقق بخشیدن عمل حقوقی (فعل، ترک) مورد نظر اکراه کننده (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۷۳ و

¹ korb

۷۴) و در اصطلاح فقهی، اکراه عبارت است از الزام و اجبار بر چیزی که شخص آن را بدارد طبعاً یا شرعاً و بر این کار اقدام نمی‌شود مگر برای دفع کار مضر تر از آن (از تعریفات جرجانی).

اکراه از نظر کیفی، عبارت است از فشار معنوی غیر قابل تحمل و نامشروع به شخص و وادار کردن او به انجام یا ترک فعلی که از نظر قانون جزا جرم به حساب می‌آید، مشروط به اینکه این وادار کردن با تهدید جانی یا عرضی یا مالی مهم از جانب اکراه کننده توأم باشد. و اما لغوی ها واژه اکراه را به سه تعبیر تعریف کرده اند که معنای هر کدام با دیگری اندکی متفاوت است:

الف) حمل الغیر علی أمره و هو کاره

ب) حمل الغیر علی امره و له کاره

ج) حمله علیه قهراً

که طبق تعریف اول، اکراه این است که شخص را اجبار کرده اند و طبق تعریف دوم، اکراه عبارت است از کاری که او را به آن وا داشته اند. ولی تعریف سوم اعم از این است که اکراه، اجبار فرد باشد یا کاری باشد که بدان مجبور شده است یعنی شامل هر دو تعریف قبلی می‌شود. (محمد علی انصاری، ۴/۴۳۲).

بنابراین با توجه به آنچه که گفته شد، اکراه در لغت و در اصطلاح به یک مفهوم است یعنی همان طوری که در لغت یعنی وادار کردن قهری کسی به امری است در اصطلاح فقهی نیز به همین معناست یعنی وادار کردن کسی به انجام کاری که به آن مایل نیست. و در نزد فقها، به طور کلی مفهوم لغوی و اصطلاحی اکراه، یکی است. (عبداللهی علی بیگ، ۱۳۸۳: ۶۲) که در این رابطه دو بیت شعر نیز داریم:

چه کنم می برد باکرهم (سعدی)

سعدیا در قفای دوست مرو

زین آمدن و بودن و رفتن مقصود (خیام)

رفتیم باکراه و ندانیم چه بود

حال معنای لغوی اکراه را از منظر قرآن بیان می کنیم: از نظر قرآن، «کُره» و «کَرِه» ناپسند داشتن و امتناع است و ضد کُره دوست داشتن است مثل آیه شریفه: «لیحق الحق و يبطل الباطل و لوکره المجرمون.»^۱ تا حق را ثابت کند و باطل را ابطال نماید، اگر چه گناهکاران را خوش نیاید و ناپسند باشد. در این آیه شریفه کره به معنای خوش نیامدن و مورد پسند نبودن معنا شده است.

در صحاح اللغه و مصباح اللغه مفردات راغب و اقرب الموارد، کُره به معنی ناپسندی و مشقتی است که از خارج بر شخص تحمیل می شود و کُره (بضم) مشقتی است که از درون انسان به وجود می آید. با توجه به اینکه اکراه از باب افعال و متعدی می باشد. همان طور که اقرب الموارد فرموده: «اکرهه علی الامر حمله علیه قهراً» اکراه بر کاری نمود یعنی به زور بر کاری واداشت. «اکرهه فلاناً حمله علی امر یکرهه» به کاری که بدش می آمد واداشت، و گفته شده اکراه واداشتن به کاری است که شرعاً و طبعاً بدش می آمد، انجام دهد.

به نظر می رسد اگر به فعل لازم استعمال شود به معنای دوست نداشتن است. (که عامل درونی باعث می شود انسان دوست نداشته باشد). ولی اگر به معنای متعددی مثل «اکرهه» به کار رود به معنای وادار نمودن و تحمیل کردن بر کاری است که دوست ندارد انجام دهد و اگر انجام دهد به سختی و مشقت انجام خواهد داد (شوشتری، ۱۳۷۶: ۱۵). «کُره» در قرآن پنج بار به کار رفته است که به معنای متعدی استعمال شده است. «فقال لها للارض ائتیا طوعاً او کرهاً» به آسمان ها و زمین گفت با میل و رغبت، یا بی میل بیائید چه رغبت داشته باشید و چه نداشته باشید، باید بیائید یعنی آورده می شوند.

«یا ایها الذین آمنوا لا یحل لکم ان ترثوا النساء کرهاً» ای کسانی که ایمان آورده اید از زن ها به زور ارث نبرید. ارث بردن زن ها به زور برای شما حلال نیست. در ذیل آیه شریفه امام صادق (ع) می فرماید: مراد کسی است که دختر یتیمی را در نزد خود دارد و از اقارب اوست، وی را از ازدواج منع می کند و به او ضرر می زند. «افأنت تکره الناس حتی یكونوا مؤمنین» آیا تو مردم را وادار می کنی (به زور) تا مومن بشوند. در این آیه به صورت فعل مضارع از باب افعال می باشد. عامل

^۱ - سوره انفال/آیه ۸

خارجی در هر سه آیه مذکور به وضوح دیده می شود. «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» در دین اکراهی نیست، زیرا سره از ناسره روشن شده است.

گُره (بضم): فرمودند عاملی از خارج ندارد و به معنی لازم آمده، مثل کتب علیکم القتال و هو گُره لکم. قتال بر شما واجب شد در حالی که برای شما خوشایند نیست. «و وصینا الانسان بوالدیه حسنا حملته أمه گُرهاً و وضعته گُرهاً» انسان را به نیکی به پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش در حال سختی برداشتش و در حال سختی زایمان کرد. فرموده اند: گُره عامل درونی دارد و گُره عامل بیرونی. اما به نظر می رسد صحیح نباشد زیرا هر دو عامل بیرونی دارند.

عامل بیرونی گُره در جنگ، خود جنگ است و در حمل، بارداری، که حمل و قتال هر دو از عوامل بیرونی هستند که از خارج انسان به او تحمیل می شوند. بنابراین باید گفت فرق این دو لغت در مصدر بودن گُره و در اسم مصدر بودن گُره می باشد. مثل غَسَل و غُسل. بنابراین از معانی لغوی و استعمال قرآنی به این نتیجه می رسیم که هر دو معنای بی میلی و سختی و دوست نداشتن را می رساند که در تمام موارد عامل خارجی باعث می شود تا انسان کار اکراهی را انجام دهد. معنای لغوی اکراه از نظر مفسرین: البیان می فرماید: إن الکره فی اللغه يستعمل فی معنین. کره در دو معنا استعمال می شود:

۱- کره یعنی عدم رضایت و رضایت نداشتن، و مصداق این معنا در آیه شریفه «و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیرٌ لکم عسی ان تحبوا شیئاً و هو شرٌ لکم.» ای بسا از چیزی خوشتان نیاید و رضایت نداشته و آن را دوست نداشته باشید در حالی که همان برای شما خوب است.

۲- معنای دوم کره، یعنی اختیار نداشتن (اجبار) به همین معنا است و مصداق آن آیه شریفه «حملته امه کرها و وضعته گُرها» که بارور شدن و زائیدن بیشتر اوقات با رضا و رغبت می باشد ولی در اختیار ما نیست. همان طور که در آیه شریفه «لا اکراه فی الدین...» نیز به معنای عدم اختیار گرفته اند و جمله «لا اکراه» را خبری می دانند نه انشائی، به این معنا با توجه به اینکه رشد از غیّ روشن شده و دلایل منطقی در قرآن فراوان است احتیاجی به اکراه و وادار کردن افراد به دین اجباری نیست زیرا رشد از غیّ و سره از ناسره روشن شده است. (شوشتری، ۱۳۷۶: ۱۶)